



مارگوت بیکل، شاعر آلمانی

سکوت سرشار از ناگفته هاست

دلنتگی های آدمی را

باد ترانه ای می خواند

رویاهایش را

آسمان پر ستاره نادیده می گیرد،

و هر دانه برفی

به اشکی نریخته می ماند

سکوت

سرشار از ناگفته هاست

از حرکات ناکرده

اعتراف به عشق های نهان

و شگفتی های بر زبان نیامده

در این سکوت

حقیقت ما نهفته است

حقیقت تو

و من

زبان مادری مهم و حیاتی است!

(بخش چهارم و پایانی)

بهرام رحمانی

ایدئولوژی پان ایرانیسم و یا پان فارسیسم، ربطی به خلق فارس و زبان فارسی ندارد و ایدئولوژی رسمی حکومت های پهلوی بوده است که حکومت اسلامی آن را با پان اسلامیم درآمیخت. شاخه ایرانی پان آریانیسم هم هیتلریسم است. اولین کسی که این ایدئولوژی را با هدف تحت سلطه درآوردن مردم غیرفارس ایران و غارت منابع و ثروت های ارزشمند سراسر ایران را رشد داد «سر جان ملکم» بود. او استاد اعظم فراماسونری انگلیسی و عضو ارشد کمپانی هند شرقی بریتانیا بود که تاریخ خود را به اسم Persian History The نوشت و تاریخ جعلی او الگویی برای میرزاهای فراماسون درباری با ادعای تاریخ نویسی و هویت تراشی، ظاهرا به نفع مردم فارس شد بدون این که این بخش مردم ایران، در چنین سیاست نژادپرستی دخالتی داشته باشند. حاکمیت پهلوی با کمک و همفکری غرب، جامعه ایران را به جولانگاه دول قدرتمند تبدیل کرد که هنوز هم این سیاست با وحشیگری تمام توسط حکومت اسلامی ادامه دارد.

حاکمیت رضاشاه پهلوی با تاکید بر محوریت نژاد آریایی و زبان فارسی و نفی و انکار کامل وجود خلق های دیگر در ایران، توسط عناصر نژادپرستی چون محمود افشار و تاسیس سازمان هایی چون «سازمان پرورش افکار» و استفاده از تمام امکانات حکومتی از سانسور و سرکوب گرفته تا مطبوعات، کتاب ها، رادیو، آموزش و پرورش و کتاب های درسی، توانست مغز و ذهن نسل جدید پس از قاجار، از مردم عادی بگیرد تا روشنفکران آن زمان را به ساختار ایدئولوژیکی نژادپرستانه آلوده کند. تحت تاثیر چنین تبلیغات و در فضایی به شدت دیکتاتوری و توأم با خفقان پلیسی-امنیتی، در میان روشنفکران، شاعران، نویسندگان، روزنامه نگاران و معلمان استان های مختلف ایران، نسلی پرورش یافت که بدون توجه به واقعیت های موجود در ایران و وجود ملل گوناگون با زبان های محلی متعدد در ایران، به بیانه «استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی و امنیت ملی»، طرفدار سلطه پان فارسیسم شدند. البته در مقابل آنان نیز کم نبودند روشنفکران و معلمانی که در برابر این سیاست های نژادپرستی حکومت های پهلوی و حکومت اسلامی ایستادند و بهای آن را نیز آگاهانه پرداختند و هنوز هم می پردازند. تحصیل به زبان مادری، حق مسلم هر انسان و جوامعی است که به ویژه در آن جامعه، زبان های مختلفی وجود دارد. در این میان ممنوعیت زبان مادری به خصوص برای کودکان لطامت زیاد روحی و روانی به دنبال دارد و مانع شکوفایی خلاقیت های آن ها می شود.

از سویی کودکان آسیب پذیرترین اقشار هر جامعه ای محسوب می شوند. شرایط زیستی شایسته ای که برای کودک در نظر گرفته می شود امکان رشد و شکوفایی او را فراهم می کند. فراهم کردن زندگی شایسته برای کودکان، از مهم ترین وظایف حکومت و کل جامعه است. ضروری است که جامعه طوری تغذیه، سلامت، آسایش، تربیت و پرورش کودکان را تامین کند که او را از تهدیدات اخلاقی، جنسی و فیزیکی حفاظت کند و رشد سالم او را تضمین نماید.

ممنوعیت زبان مادری سبب شده است که سطح آموزش و پرورش و تحصیل در مناطقی چون آذربایجان، کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و... افت شدیدی پیدا کند. چون که سیاست نژادپرستی و تبعیض بر سیستم آموزشی ایران حاکم است. ممنوعیت و تحقیر زبان مادری هم چنین سبب شده است که میلیون ها کودک و جوان از تحصیل محروم بمانند.

در روز یکشنبه 22 مهر سال 1397 خبرگزاری حکومتی «تسنیم»، در گزارشی مستند تحت عنوان «سیستان و بلوچستان رکورددار بازماندگان از تحصیل کشور» می نویسد تعداد رو به افزون بازماندگان از تحصیل به دلیل کمبودهای عمقی، تاریخی و جدی شاخص های زندگی در استانی مثل سیستان و بلوچستان عواقب سختی دارد؛ عواقب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

ادامه در ص 6



بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

کارگران به پاخاسته برای نان، کار، آزادی و آلترناتیو شورایی مبارزه می کنند!

بیش از دو هفته است که کارگران آگاه و شجاع «مجمع صنعتی نیشکر هفت تپه» و همراه با آنان با اندک فاصله زمانی، کارگران «مجمع ملی صنعتی فولاد اهواز» در شهرهای شوش و اهواز علیه وضع موجود ناعادلانه، تبعیض، بی عدالتی، عدم پرداخت دستمزدها، خصوصی سازی، علیه فقر و گرسنگی و بیدادگری سرمایه داری چپاولگر، فاسد و غارتگر ایران و رژیم استبدادی حامی آن به رغم تمامی سرکوبگری های حافظان و پاسداران سرمایه و ارتجاع حاکم به صورت یکپارچه و متحدانه دست به اعتراض زده اند.

در متن این اعتراضات و اعتصابات که خیل وسیعی از خانواده ها و قشرها و گروه های تحت سرکوب اقتصادی و اجتماعی به ویژه در شهر شوش به آن پیوستند و همانا هم زمان از سوی سایر اجزای جنبش کارگری شامل نهادها و تشکلهای مستقل کارگری و نیز دانشجویان و معلمان آزادی خواه و برابری طلب در دیگر نقاط ایران و کردستان مورد حمایت گسترده قرار گرفت، از رهگذر طرح شعارها و خواستهای بنیادین همچون «آلترناتیو ما شورا و جمعی است» و نیز این که «ما از پائین حکم صادر می کنیم» و «شوراها را تمرین کنیم»، اساس و بنیان موجودیت سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و دولت - ملت ستمکار حامی آن به چالش کشیده شد.



آنچه محرز است کارگران نیشکر هفت تپه با بهره گیری از آگاهی تاریخی و اجتماعی و روشن بینی طبقاتی از خلال تجربه مستقیم تبعیض، ستم، بی عدالتی و سرکوبگری نظام غارتگر حاکم و دولت - ملت حامی آن، به روشن ترین شکل منصور و به صورت کاملا آگاهانه به تنها راه حل ممکن برای برون رفت از وضع ناعادلانه و ستمگرانه موجود و گذار از بحران های کنونی همه جانبه ای که جامعه ایران را فرا گرفته است، یعنی «آلترناتیو شورایی و جمعی» در راستای دستیابی به جامعه ای آزاد و برابر، فارغ از ستم و بی عدالتی و تبعیض، فقر و گرسنگی راه یافته اند.

این آلترناتیو که به وضوح از زبان نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه نظیر اسماعیل بخشی بارها در جریان سخنرانی ها در متن اعتراضات خیابانی چند هفته گذشته خطاب به کارگران و سایر گروه ها و طبقات اجتماعی تحت ستم و سرکوب مطرح شده، از منظر ما در پلاتفرم دمکراتیک جنبش ها و خلق های ایران، تنها راه چاره یابی مسئله ستم طبقاتی، ملی و جنسیتی در ایران کنونی است.

از منظر ما، این در حقیقت همان آلترناتیو خودمدیریتی دمکراتیک است که خواستار استقرار ملت دمکراتیک، نفی پدیده دولت - ملت، برپایی دمکراسی مستقیم شورایی و محلی و متضمن همبستگی همه ستم دیدگان بر پایه آزادی و برابری و اعمال اراده توده های مردم و خلق های ایران از پائین و به دست گرفتن تعیین سرنوشت خود به دست خویش است.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش ها و خلق های ایران، ضمن حمایت بیدریغ از خواست ها و مطالبات آزادی خواهانه و برابری طلبانه جنبش کارگری ایران و کردستان به ویژه اعتراضات پرشور و مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، خواستار آزادی فوری کلیه کارگران بازداشت شده توسط نهادها و عوامل امنیتی و سرکوبگر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش ها و خلق های ایران
سه شنبه 20 نوامبر 2018

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می شود.

هماهنگ کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران»:

*بهرام رحمانی
امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

*اهون چیاکو
امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رؤس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران همه جنبش های ملی دموکراتیک خلق های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشویست، آزادی خواه و عدالت جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران، صریحا اعلام می کند که کنفدرالیسم دمکراتیک، حقوق جهان شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران، از همه خلق های ایران و مردم آزاده و برابری طلب، سازمان ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکلهای توده ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می کند.

اطلاعیه پلافرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران به مناسبت 25 نوامبر

بیست و پنجم نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان است. فعالان حقوق زنان از سال 1981 میلادی روز 25 نوامبر را برای گرامی‌داشت مبارزه با خشونت علیه زنان برگزیده‌اند. از سال 1999، سازمان ملل متحد، روز جهانی منع خشونت علیه زنان را فرصتی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و موسسه‌های غیردولتی می‌داند تا از آن برای افزایش آگاهی عمومی و آموزش استفاده کنند. با وجود آن‌که در بیش‌تر کشورهای جهان قوانین منع خشونت تصویب شده است، اما همچنان آمارها نشان می‌دهد 35 درصد زنان خشونت را تجربه کرده‌اند. این رقم در برخی کشورها به 70 درصد می‌رسد. مطابق آمار سازمان ملل متحد، از هر سه زن در سراسر دنیا یک زن خشونت جنسی و جسمی را تجربه کرده است.

براستی وری جنسیت به چه جرمی این‌همه خشونت، کشتار، اختناق، تجاوز، تهمت، زندان و عیدیه احکام ریز و درشت فقهی و قانونی در حق زن روا داشته می‌شود و پس از قریب پنج هزار سال قدمت مکتوب تاریخی این اجحاف و درنده‌خویی، بالاخره نماینده خدای آسمانی در زمین، مرد ستمگر، کمتر از دو دهه پیش خشونت علیه زنان را در قانون دست ساز و ساخته و پرداخته خویش محکوم نمود که بدین طریق از پله‌های پر هیبت دموکراسی دروغین‌اش، گوشه چشمی هم به جنس مخالف انداخته و رضایت خاطر خویش را به جا آورد. در جهان پر ستمی که هیچ کجا زن با مرد حقوق انسانی متساوی را دارا نیست، دل‌بستن و خوشنود بودن از آن‌که در سال یک روز به محکوم نمودن خشونت علیه زن اختصاص یافته، تصویری بس کودکانه از عدالت‌طلبی صاحبان قدرت است.

زن از زمانی که از اریکه الهگی و تقدس‌اش با حيله و مکر مرد قدرت پرست به زمین کشانده شد هر روز و در هر مکان تحت ظلم و ستم و انواع شکنجه روحی و جسمی به جرم جنسیت‌اش بوده و می‌باشد.

در کشورهای مدرن اروپایی و آمریکایی از ظرافت جسمی‌اش برای به نمایش گذاشتن بنجل‌ترین کالاها استفاده می‌گردد و در بقیه ممالک جهان به چشم برده خریده شده‌ای به وی می‌نگرند.

جامعه فرسوده و ناتوان، همانا جامعه کنونی ما می‌باشد که از مناسبات دمکراتیک و برابری زن و مرد دور شده و نیرو و ارزش‌های جامعه برابری‌طلب و دموکراتیک در آن تضعیف گردیده و همانا بارزترین نمونه آن نیز وضعیت زنان در جامعه کنونی است.

ساختارهای فاشیستی و برتری‌جنسیتی است که از آزادی، برابری، و اخلاق انسانی بویی نبرده‌اند. البته جامعه انسانی در طول تاریخ، برای بنیاد نهادن ارزش‌های خود و محافظت از آن‌ها در برابر سیستم دولت‌گرا از خود مقاومت چشم‌گیری نشان داده و موجودیت خود را حفظ کرده ولی گویا این نه داروی درمان این معضل، بلکه مسکنی موقتی بیش نبوده است.

امروز زنان با داشتن هدفی مشخص، شناخت صحیح از توانایی‌های جسمی و کارایی‌های خود و امکان حضور در ارتش زنانه انترناسیونالیستی روز‌آوا تیشه به ریشه آپارتاید جنسی زده است. واقعیت‌های تاریخی گواهی می‌دهند که زن تاثیرگذارترین عامل پیوند انسان آزاد و دموکراسی بوده است از این‌رو، می‌توان گفت که زن پدیدآورنده زندگی آزاد و سیستمی دموکراتیک می‌باشد. زن با تلاش و مدیریت خود، آزادی و برابری را برای جوامع بشری به ارمغان آورد که البته این مسئله از خصوصیات و سرشت زن است. وجهه اشتراک تمامی زنان همین ویژگی‌هاست که از ابتدای تاریخ بشریت با چنین خصوصیتی به جامعه و زندگی شکل داده و در ساختار دموکراتیک هزاران ساله، آزاد زیسته است.

بی‌گمان آن‌چه که انسان را به انسان و جامعه را به جامعه تبدیل کرده، همین ارزش‌های دموکراتیک و کمونال جامعه بوده است. اخلاق انسانی نیز هم‌زمان با ارزش‌های دموکراتیک جامعه شکل گرفته است. اخلاق همانند قوانین اجتماعی و سیاست و نحوه مدیریت جامعه، با نیرویی که از ارزش‌های کمونال و دموکراتیک نشأت گرفته، گسترش یافته‌اند. به‌همین دلیل، جامعه فاقد ارزش‌های اخلاقی، دموکراسی، آزاد و برابری زن با مرد، جامعه‌ای از هم گسیخته می‌باشد که صد

البته صاحبان سرمایه با بدل نمودن نیمی از جامعه به ضعیفه و تحت تاثیر درآوردن نیمه دیگر جامعه یعنی مردان نیز در آن اثناء سعی در نگه داشتن حاکمیت ضد انسانی خویش نموده و در این گذر خونین از هیچ جنبانی دریغ نورزیده‌اند، اما با این وصف صدای پای انقلاب زنانه از اقصی نقاط جهان به گوش می‌رسد، از اعتراضات و پرده‌برداری گسترده زنان اروپایی به تجاوزات جسمی و روحی شان توسط کارفرمایان و روسای مرد، تا در دست گرفتن تریبون توسط زنان کارگر در

اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه ایران، از تشکیل احزاب فمینیست در کشورهای اروپایی تا نمایش پرافتخار و نیرومند گریلاهای ارتش زنان در روزآوا، نوید بیداری نسل امروز و پویایی مبارزات هدفمند علیه نابرابری و خشونت علیه زنان در تار و پود جامعه مشاهده می‌شود.

سیستم کنفدرالیسم دمکراتیک، یگانه سیستم ایده‌آل برای توصیف جامعه برابر می‌باشد چرا که فقط در چنین جامعه‌ای سطح آزادی زنان در سطوحی خواهد بود که ارزیابی جامعه دموکراسی مدعی آن است.

اساسی‌ترین عاملی که جامعه را دموکراتیک و آزاد می‌نماید، زن آزاد است. زن، نیروی اساسی اجتماعی شدن در تغییر و تحولات انقلاب اجتماعی است. در واقع جامعه آزاد و برابر کنفدرال، جامعه‌ای است که هر دو جنس زن و مرد در متن آن برابر هستند و در همه حیات سیاسی و اجتماعی جامعه همگام با هم حرکت می‌کنند. بنابراین، برابری زن و مردان، یک ضرورت مهم برای ساختن یک جامعه آزاد و برابر است. وظیفه آگاهانه و داوطلبانه هر آزاداندیش و مبارزی است که در راستای الغای همه تبعیض‌ها و نابرابری‌های طبقاتی، ملیتی، جنسیتی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی کوشا باشد و حیطة مبارزات و مطالبات برابری‌خواهانه خود را در چهارچوب دست و پاگیر ساخته و پرداخته قدرتمندان که همانا روزی مشخص در سال است قرار ندهد.

زنده‌باد مبارزات برحق زنان برای رسیدن به دنیایی بهتر!

پلافرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
23 نوامبر 2018

خط فقر ۵ میلیون در شهرستان‌ها و ۱۰ میلیون در تهران

یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس «رسول خضری» در این ارتباط گفت:

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی به شدت در حال پیشروی است علی‌رغم آن که در سال ۹۶ یا ۹۷ حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور به صندوق بازنشستگی کشوری کمک شده است.

بسته‌های حمایتی دولت به ۱۱ میلیون نفر از اقشار کم‌درآمد تعلق گرفته در حالی که کمیسیون ۲۰ تا ۴۰ میلیون نفر را مستحق بسته‌های حمایتی ارزیابی کرده است. سقف بسته‌ها ۶۰۰ هزار تومان است که با توجه به گرانی و تورم این مبلغ کم است. اگر مردم مایحتاج خود را مثلاً با ۱ میلیون تومان خریدار می‌کنند حالا باید دو برابر پول بدهند. به‌ویژه قدرت خرید کارگران و کارمندان به شدت کاهش یافته است و قدرت خرید بالای ۸۰ درصد جامعه به یک ششم تقلیل پیدا کرده است.



همه فکر می‌کنند نظام در حال فروپاشی است

دادستان کل حکومت اسلامی، چنین اقرار کرده است: امروز جنگ نرم بسیاری در فضای مجازی در حال رخ دادن است. همه فکر می‌کنند مملکت (نظام) در حال فروپاشی است.

به گزارش خبرگزاری حکومتی تسنیم، «حجت‌الاسلام‌المسلمین منتظری» در جلسه مجمع عمومی نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، گفت: امروز در جنگ نرم و فضای مجازی با مشکلات بسیاری مواجه هستیم و فشارها بسیار بالاست. نکاتی در فضای مجازی در حال ترسیم است که همه فکر می‌کنند مملکت (نظام) در حال فروپاشی است و این اخبار فضای مجازی در همه ما اثر می‌گذارد.

دادستان کل حکومت اسلامی افزود: بنده بارها هشدار دادم که باتک‌ها دچار مشکلات زیادی هستند و وضعیت ارز خطرناک است. دشمنان داخلی و خارجی کار را خراب کرده‌اند و برای خرابکاری اقتصادی ورود جدی دارند.

او خاطر نشان کرد: جنگ دیگری که با آن مواجه هستیم، جنگ نفوذ است. یکی از تلاش‌های فوق‌العاده دشمن، نفوذ در کشور است و متأسفانه نفوذ هم پیدا کرده است. امروز دشمن حتی در حوزه علمیه هم نفوذ دارد.

مردم خوزستان را تنها نگذاریم!

عفو بین‌الملل می‌گوید که خانواده احمد حیدری تا روز 11 نوامبر - 20 آبان، چیزی درباره محل نگهداری یا سرنوشت او نمی‌دانست تا این‌که تلفنی از آن‌ها خواسته شد به یک مرکز وزارت اطلاعات در اهواز مراجعه کنند.

این سازمان می‌نویسد: «در آن‌جا گواهی مرگ او به آن‌ها تحویل داده و گفته شد که او روز 17 آبان اعدام شده است. مقام‌ها گفتند که جسد او را برای خاک‌سپاری تحویل نمی‌دهند و گفتند خانواده اجازه ندارد مراسم یادبودی برای او برگزار کند.»

حکومت ترور و وحشت و اعدام اسلامی ایران، واقعه اهواز را به ابزاری برای توجیه حمله گسترده به مردم خوزستان، کارگران، فعالین سیاسی و اجتماعی این منطقه تبدیل کرده است. گفته می‌شود پس از واقعه اهواز،

نیروهای امنیتی حکومت با تهاجم وسیع بیش از 800 نفر را بازداشت و زندانی کرده است. حتی خانواده‌های بازداشت‌شدگان، از محل نگهداری آن‌ها خبر ندارند.

اکنون که حکومت اسلامی با بحران‌های عیدیه‌ای دست به



اعضای هیئت قتل عام سال‌های ۶۰ و ۶۷

گریبان است؛ فروپاشی‌اش برای سران و مقاماتش مسجل شده است؛ دیوانه‌وار دست به ترور و اعدام می‌زنند. اما پیام صریح مبارزات چند ماهه اخیر جوانان، زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران، رانندگان، مال باختگان، فعالین محیط زیست، خلق‌های تحت ستم، دروایش، بهائیان و... برای حکومتیان این است که تاریخ مصرف و عمر نکبت‌بارشان نه تنها برای اکثریت مردم ایران، بلکه حتی برای رقبایش در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به پایان رسیده است. بنابراین، این اکثریت مردم ایران است که برای آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، لغو قوانین وحشیانه همچون اعدام و قصاص و تجاوز و سانسور و برای رسیدن به یک جامعه آزاد، برابر، عادلانه و انسانی، خود را متحد و متشکل کرده و وارد پیکارهای بی‌امان و سرنوشت‌سازی شده‌اند!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌ها ایران، همگان را فرامی‌خواند که در مقابل هرگونه وحشی‌گری و آدم‌کشی حکومت تبه‌کار اسلامی بایستند و با صدای بلند خواهان برکناری کلیت این حکومت جانی شوند.

ما ضمن ابراز همدردی با خانواده‌ها، بستگان و نزدیکان زندانیان سیاسی اعدام شده، از مبارزات بر حق و عادلانه آن‌ها حمایت می‌کنیم. حمله به مردم خوزستان را حمله به‌کل جامعه ایران می‌دانیم و از همگان می‌خواهیم که از هر طریق ممکن، به‌حمایت از خانواده‌های دستگیرشدگان و اعدام‌شدگان و همچنین برای آزادی دستگیرشدگان برخیزند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌ها ایران
25 آبان ۱۳۹۷ - 16 نوامبر 2018



انتقال نماینده بازداشتی کارگران هفت‌تپه به بیمارستان و دستگیری علی نجاتی

گزارش‌ها از ایران حاکی است که اسماعیل بخشی، نماینده بازداشتی کارگران هفت‌تپه به بیمارستان منتقل شده و برخی منابع انتقال او به بیمارستان را عوارض ناشی از شکنجه عنوان کرده‌اند. فعالان کارگری می‌گویند آقای بخشی از ناحیه «سر و صورت» مورد ضربات متعددی قرار گرفته به‌طوری که صورت او کبود و متورم بوده است.



گزارش‌ها از ایران حاکی است که اسماعیل بخشی، نماینده بازداشتی کارگران هفت‌تپه به بیمارستان منتقل شده و برخی منابع انتقال او به بیمارستان را عوارض ناشی از شکنجه عنوان کرده‌اند. براساس این گزارش به نقل از فعالان کارگری، بخشی از ناحیه «سر و صورت» مورد ضربات متعددی قرار گرفته به‌طوری که صورت او کبود و متورم بوده است. همچنین او دچار خونریزی معده بوده است. به‌گفته فعالان کارگری مشخص نیست که در حال حاضر بخشی همچنان در بیمارستان است یا به بازداشتگاه منتقل شده است. اما قرار بازداشت این فعال کارگری مجدد تمدید شده است. نزدیک به دو هفته است که بخشی در بازداشت بهسر می‌برد. وکیل کارگران هفت‌تپه پیش‌تر گفته بود که از وضعیت این کارگر زندانی اطلاعی ندارد.

در اعتراض‌های اخیر کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه شماری از معترضان بازداشت شدند که بیش‌تر آن‌ها آزاد شده‌اند اما بخشی و سپیده قلیان روزنامه‌نگار و فعال زنان همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

یآوری در این باره توضیح بیش‌تری نداده و تنها به گفتن این که ماموران امنیتی در این باره تحقیق خواهند کرد بسنده کرده است.

در حالی که اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در بازداشت بهسر می‌برند و تلاش‌ها برای آزادی آن‌ها در جریان است، علی نجاتی از فعالان کارگری نیشکر هفت‌تپه به‌همراه پیمان نجاتی (فرزندش) و مجید رعایایی (همان وی) در منزل نجاتی بازداشت شدند.

خانواده نجاتی می‌گویند با وجود پیگیری کماکان از محل نگهداری علی نجاتی و دلایل بازداشت او اطلاعی در دست ندارند. گفته می‌شود نجاتی و دو همراهش موقع دستگیری ضرب و شتم شده‌اند در حالی که نجاتی از بیماری قلبی رنج می‌برد.

در حالی که بازداشت کارگران و وضعیت نامعلوم اسماعیل بخشی ادامه دارد، برای بیست و پنجمین روز متوالی، کارگران مجتمع صنعتی نیشکر هفت‌تپه در شهر شوش در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات‌شان، دست به تجمع اعتراضی زدند. خواسته اصلی کارگران مجتمع صنعتی نیشکر هفت‌تپه «لغو خصوصی‌سازی، واگذاری شرکت به کارگران و خودگردانی آن توسط شورای کارگری، آزادی کارگران زندانی و پرداخت دستمزدهای معوقه» است.

زبان مادری مهم و حیاتی...

در گزارش سل 1392 «مرکز پژوهش‌های مجلس حکومت اسلامی ایران»، آمده است که در 6 سال اخیر نزدیک به 5 میلیون نفر از دانش‌آموزان مردود شده‌اند. کارشناسان تایید می‌کنند، بیشترین میزان مردودی‌ها در مناطقی است که زبان مادری در آن جاها غیرفارسی است. شیرزاد عبدالهی، کارشناس مسائل آموزش و پرورش با اشاره به میزان بالای مردودی‌ها در مناطق مختلف کشور، در همین سال به سایت «خبر آنلاین»، گفته است: «کودکاتی که در این مناطق به مدرسه می‌روند به دلیل عدم آشنایی به زبان فارسی و مواجهه با آن، دچار شوک وحشتناکی می‌شوند و خود را نمی‌توانند تطبیق دهند.»

در این میان، سهم دختران بیش‌تر از پسران است. علت‌اش هم آن است که دسترسی پسران به آموزش از دختران بیش‌تر است. علاوه بر حساسیت‌های خانواده‌های متعصب در رابطه با تحصیل دختران، متاسفانه خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد هم برای ادامه تحصیل بیش‌تر از دختران به تحصیل پسران اهمیت بیش‌تری می‌دهند. با افزایش خط فقر و رفتن جمعیت بیش‌تری زیر خط فقر، تعداد کودکانی که از تحصیل خارج می‌شوند بیش‌تر می‌شود. بنابراین، رابطه مستقیمی بین فقر و تعداد کودکان بازمانده از تحصیل وجود دارد و دولت نیز در رفع این مسئله وظیفه خود را انجام نمی‌دهد.

وظیفه دولت و آموزش و پرورش این است که بدون توجه به موقعیت خانوادگی و والدین، آموزش را در دسترس کودکان و خانواده‌ها قرار بدهد. ولی متاسفانه در ایران چنین نیست و هر سال کودکان بیش‌تری قربانی سیاست‌های تبعیض آمیز دولت و فقر شده و از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

در بسیاری از کشورهای دو یا چند زبانه، یادگیری زبان‌ها به‌صورت طبیعی انجام می‌گیرد و جزو امتیازات مردمانی است که در آن جا زندگی می‌کنند. در این کشورها فرهنگ‌ها و زبان‌ها عامل تهدید نیستند، بلکه به‌عنوان یک ارزش و گهر گران‌بهای معنوی به آن‌ها ارج گذاشته می‌شود.

در چنین شرایطی، رسانه‌ها، نهادها، احزاب و دیگر تشکل‌های منطقه‌ای نیز از آزادی برخوردار می‌گردند و نویسندگان و شعرا کتاب‌ها خود را به زبان مادری و هم زبان سراسری منتشر می‌کنند که گسترانی از زبان‌ها به‌وجود می‌آید و گام زدن در آن، برای هر انسانی دل‌پذیرتر می‌گردد.

شونوبست‌ها و حکومت‌های دیکتاتوری ریاکارانه آموزش به زبان مادری را برابر با «تجزیه‌طلبی» می‌دانند. در حالی که چنین چیزی واقعیت نداشته و در بسیاری از کشورهای جهان، شهروندان به زبان‌ها و گویش‌های گوناگونی صحبت می‌کنند بدون این که بحث و جدل و کشمکش با همدیگر داشته باشند و یا به فکر جدایی بیفتند.

دولت‌ها و جریانات و کسانی که با زبان مادری انسان‌ها مخالفت می‌ورزند در واقع حرمت انسان را زیر پا می‌گذارند و نسل‌هایی را به‌سوی تباهی سوق می‌دهند. آموزش و تحصیل و سخن گفتن به زبان مادری حق مسلم تمام شهروندان یک کشور است.

حکومت اسلامی ایران، چهل است حدود 70

درصد مردم ایران را از زبان مادری‌شان محروم کرده است. از این رو، ضروری است که فعالین آزادی‌خواه و برابری طلب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سراسر کشور، جدا از این که زبان مادری‌شان کرد، فارس، ترک، عرب، بلوچ و غیره است، هر چه بیش‌تر در جهت رفع ممنوعیت زبان مادری و همچنین افزایش سیاست‌های فاشیستی و نابرابر حکومت اسلامی تلاش کنند. این مبارزه نه مبارزه‌ای بین مردم فارس زبان با مردم غیرفارس زبان نیست، بلکه مبارزه‌ای متحد و مشترک بر علیه حکومت فاشیستی و تروریستی اسلامی است. مسلمان، کم‌توجهی و یا مخالفت با آزادی زبان مادری، در آینده عواقب وخیمی را برای کل جامعه ایران در پی خواهد داشت.

در جمع‌بندی بار دیگر تاکید کنم که مشکل زبان در ایران مشکل مردمان فارس و غیرفارس نیست، بلکه یک مشکل سیاسی در سیستم حاکم است. بنابراین، حل آن نیز منوط به تصمیم‌گیری با تغییر حاکمیت موجود و شکل دادن به جامعه نوینی است که نگاه آن به مقوله آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و صد البته آزادی زبان‌های مادری، نگاهی پایه‌ای و اساسی باشد. جامعه‌ای که در آن همه شهروندان کشور بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای سیاسی و عقاید مذهبی از حقوق یکسان و برابری برخوردار می‌گردند و آزادی بیان و اندیشه و حقوق فردی و جمعی و زبان مادری همه شهروندان تضمین می‌گردد. جامعه‌ای که همه انسان‌ها در فضایی آزاد و برابر و داوطلبانه و آگاهانه در کنار هم در صلح و صفا زندگی می‌کنند و خود را در غم و شادی همدیگر سهیم می‌دانند.

مهم‌تر از همه، اگر فلسفه سیاسی «دولت-ملت» آگاهانه و عمدانه کنار گذاشته شود و جامعه با سیستم شورایی و خودمدرییتی و دموکراسی مستقیم اداره شود و قدرت در دست ارگانی به‌نام دولت و حاکمیت متمرکز نگردد در این روند، روشن است که جایی برای گرایش‌های جدایی‌طلبانه باقی نمی‌ماند. در نتیجه همه شهروندان سراسر ایران هم از حقوق برابر و یکسان انسانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود برخوردار می‌گردند و به‌طور مسالمت‌آمیز و داوطلبانه در کنار هم زندگی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای هر کس هم آزاد است که در کدام منطقه کشور زندگی و کار کند و یا به چه زبانی آموزش ببیند.

بی‌تردید آزادی «زبان مادری» در ایران و هر جامعه دیگری باعث رشد فرهنگی و اجتماعی سراسر کشور می‌گردد و از کم‌شکست‌های ملی و ناسیونالیستی و شونوبستی نیز جلوگیری می‌کند. در عین حال همه شهروندان کشور، در کنار استفاده از زبان مادری خود، یک زبان دیگری را هم به‌عنوان زبان سراسری «فارسی» یاد می‌گیرند. در چنین شرایطی، بر خلاف سیاست‌های نابرابر و تحقیرآمیز دولت‌های سرکوبگر، همبستگی انسانی بین «ملیت‌های مختلف کشور، عمیق‌تر و صمیمی‌تر می‌گردد. چون که همدیگر را در فضایی آزاد و برابر درک می‌کنند و به‌سادگی به‌تبادل فکری و نظری می‌پردازند.

در واقع دانش آموز نخست در دوره تحصیل ابتدایی فقط به زبان مادری آموزش می‌بیند. اما سپس در عین حالی که به زبان مادری به تحصیل خود ادامه می‌دهد زبان سراسری کشور نیز به آن اضافه می‌گردد. و در دوره دبیرستان و دانشگاه و آموزش عالی، علاوه بر زبان مادری، زبان فارسی نیز به‌عنوان زبان سراسری کشور،

آموزش داده می‌شود. این روش، نه تنها علمی است، بلکه انسانی، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه نیز است و مهم‌تر از همه، هر چه بیش‌تر به همبستگی انسانی یاری می‌رساند.

منابع:

- 1- پایان تک‌زبانی، اصغر زارع کهنمویی، نشر موعام، چاپ اول 1394، گفت‌وگو با دکتر محرم آقازاده، صفحه 105 و 109
- 2 - گفتارهایی درباره زبان و هویت، حسین گودرزی، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول 1384، صفحه 150
- 3 - حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، دکتر ستار عزیز، ناشر نورعلم، چاپ اول 1385، صفحه 286-285
- 4 - پایان تک‌زبانی، اصغر زارع کهنمویی، نشر موعام، چاپ اول 1394، گفت‌وگو با دکتر فرامرز تقی‌لو، صفحه 164.
- 5- مراجعه کنید به متن مشروح گزارش «بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه کن کردن بی‌سوادی در کشور» که در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس و در آدرس اینترنتی زیر قابل مشاهده است: <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/23/02/1391> روزنامه دنیای اقتصاد، تاریخ 23/09/1388، 6- خبرگزاری فارس، تاریخ 23/09/1388، 7- منبع خبر: آژانس رسمی خبری دوغان ترکیه، 18/01/2012، 8- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



کودکان بازمانده از تحصیل

آمار رسمی کودکان بازمانده از تحصیل حدوداً 3 میلیون نفر است و همین میزان ثابت مانده است؛ اگر هم تغییری بوده بسیار ناچیز بوده است. در حال حاضر حدود 13 میلیون دانش‌آموز در کشور وجود دارد؛ در آمار سال 90 حدود 18 میلیون نفر بین 5 تا 19 ساله سرشماری شده است. اگر افراد 5 و 19 ساله را از این تعداد کم کنیم که تخمین زد به رقم 15 میلیون می‌رسیم که با تعداد دانش‌آموزان فعلی 2 میلیون نفر اختلاف دارد. (خبر آنلاین، 31 شهریور 1397)

... شبکه یاری کودکان کار به‌مناسبت نخستین روز مهر بیانی‌های منتشر کرد که در آن آمده بود: «بنا به ماده 28 کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز دولت موظف به فراهم آوردن امکانات آموزشی در دسترس و برابر نسبت به کلیه کودکان است لیکن در حال حاضر نه تنها به رعایت این حقوق تمکین ننموده، بلکه متولیان آموزش و پرورش کشور تاکنون به هیچ‌عنوان از این حیث پاسخگوی انتظارات و مطالبات جامعه مدنی نبوده‌اند.» ... یکی دیگر از موانع تحصیل کودکان ایرانی و غیرایرانی هزینه تحصیل است. یعنی حتی اگر بخش کمک به مدرسه هم نباشد، پول کتاب و کیف و لوازم التحریر و ... مبلغی حدود 500 هزار تومان برای شروع تحصیل هر بچه هزینه دارد. خیلی از خانواده‌های ایرانی هم این مبلغ را ندارند.

شبکه یاری کودکان کار متشکل است از 38 انجمن مجزا که هر کدام بین 150 تا 800 نفر عضو دارند و سه چهارم افراد زیرپوشش این انجمن‌ها را پناهندگان و مهاجران تشکیل می‌دهند. (روزنامه اعتماد، 1397/07/04)

زبان مادری مهم و حیاتی...

گاهی امنیتی. گزارش می‌افزاید حدود 50 درصد کل کودکان بازمانده از تحصیل در سطح کشور متعلق به سیستان و بلوچستان و عمدتاً منطقه بلوچستان هستند. علیم یارمحمدی نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: تمام آمار کودکان بازمانده از تحصیل مربوط به بخش بلوچستان بوده (از جنوب زاهدان تا چابهار) و در منطقه سیستان چنین آماری وجود ندارد.

افزایش 42 درصدی بودجه سپاه پاسداران در بودجه سال 1397، در حالی صورت گرفت که بودجه آموزشی سیستان و بلوچستان کاهش پیدا کرد. نماینده مردم سراوان و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس مشکلات آموزشی استان سیستان و بلوچستان را مرتبط به حوزه‌های سخت‌افزاری یا عمرانی دانسته و گفته است از همین رو در بودجه 97 آموزش و پرورش نه تنها اعتبار بالاتری برای بهبود وضعیت آموزشی استان سیستان و بلوچستان تخصیص ندادند بلکه همان اعتبار را نیز کاهش داده‌اند. این در حالی است که بر طبق گفته معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش اعتبارات استانی آموزش و پرورش در سال 97 در کل کشور نسبت به مصوب سال 96، ده درصد رشد داشته است.

حال سنوالات اساسی اینجاست چرا با وجود افزایش بودجه نظامی کشور و به خصوص افزایش 42 درصدی بودجه سپاه پاسداران در سال 97، با وجود این‌که بلوچستان محروم‌ترین استان کشور از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی و به‌ویژه آموزش و بازماندگی بیش از 120 هزار کودک از تحصیل در بلوچستان، بودجه تحصیلی در منطقه بلوچستان (و نه سیستان که عمدتاً شیعه مذهب هستند) عمادانه کاهش می‌یابد.

به گزارش خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم خاش از فقدان «عدالت آموزشی» و پسرفت روند تحصیل در بلوچستان در دوران حکومت اسلامی ابراز نگرانی کرده است. محمد نعیم امینی فرد، نماینده مردم ایرانشهر در مجلس شورای اسلامی و رییس مجمع نمایندگان استان نسبت به وضعیت فضاهای آموزشی سیستان و بلوچستان می‌گوید: ده‌ها بار به وزرای مختلف آموزش و پرورش تذکر دادیم، اما سازمان برنامه و بودجه توجهی ندارد و سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس نیز عدالت را توزیع اعتبارات رعایت نمی‌کند.

بنا به آخرین گزارش یونسکو، در جهان 6000 زبان وجود دارند؛ که نود درصد از مردم به 300 زبان و بقیه به 5700 زبان دیگر سخن می‌گویند؛ که سهم ایران در این میان 74 زبان می‌باشد. (1) متأسفانه با گذشت زمان از تعداد این زبان‌ها کاسته می‌شود و تعداد زیادی از آن‌ها در معرض خطر و نابودی قرار دارند. «خطر، زبان‌هایی را که از پشتوانه تاریخی، متن مکتوب (علمی)، غنای واژگان و کثرت گویشور و حمایت سیاسی برخوردار نیستند، تهدید می‌کند.» (2)

یکی از زبان‌های اصیل و ریشه‌دار ایرانی که به علت قلت گویشوران و عدم حمایت سیاسی در معرض خطر است، زبان هورامی است.

حقوق زبانی و مطالبات گروه‌های زبانی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- 1- حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه؛
- 2- حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی و نهادهای اداری؛
- 3- حق آموزش و یادگیری زبان مادری؛
- 4- حق برخورداری از رسانه‌ها به زبان مادری.

(3) نکته قابل توجه این است که «مسئله مهم در آموزش زبان مادری، انتقال آن به نسل‌های آینده و جلوگیری از انحطاط و زوال آن است. این انتقال صرفاً به‌واسطه گفتار نمی‌تواند صورت بگیرد؛ بلکه نیازمند نوشتار نیز هست. آموزش گفتار و نوشتار به زبان مادری در منزل ممکن نیست؛ بلکه ضرورتاً باید در مدرسه و با توسل به ادبیات و کتاب‌های عمومی تدوین شده از جانب متخصصین این حوزه صورت گیرد.» (4)

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل و مسائل آموزشی و زبانی «سال‌های اولیه آموزش دارای اهمیت بنیادین در آموزش کودک می‌باشد. تحقیقات آموزشی نشان می‌دهد که آموزش در کودکی و دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدایی می‌بایست به زبان مادری کودک باشد. بخش مهمی از تحصیلات مقطع متوسطه نیز باید به زبان اقلیت باشد؛ اما در این دوره لازم است که آموزش به زبان رسمی گسترش یابد. در این راستا دولت بایستی معلمان دارای تخصص لازم را آموزش دهد؛ همچنین لازم است که امکان تدریس در دانشگاه به زبان گروه اقلیت نیز فراهم گردد.» (5)



طی یک قرن گذشته، سه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایجاد شده و فارغ از این‌که همکاران جزء این فرهنگستان‌ها به‌ماهیت کار خود واقف بودند یا نه، هدف و کار فرهنگستان‌های فارسی، ژئوسید فرهنگی غیر فارس‌ها بوده است.

هدف اعلان شده فرهنگستان اول به‌سرپرستی محمد علی فروغی، پاک کردن زبان مردم ایران از لغات ترکی و عربی بوده است. آن فرهنگستان حدود شش هزار لغت جدید را جایگزین لغات ترکی و عربی متداول در زبان مردم نمود که نیمی از آن‌ها دوام پیدا کردند. فروغی به‌توصیه هم‌فکر خود «محمود افشار یزدی» عمل می‌کرد که در مجله آینده می‌نوشت: «تمام آثار حکومت هزار ساله ترکان بر ایران باید از زبان و تاریخ ایران

پاک شود.»

فرهنگستان دوم به‌سرپرستی نائل خانلری کار فروغی را ادامه داد و به‌علت نبود لغات جایگزین مجبور شد لغت جعل کند که لغات بی‌مسمای «پنگاه» و «ترابری» از جمله اختراعات اوست. خانلری برای زبان فارسی دستور زبان نوشت و در دوره او اصطلاحات نظامی که عموماً ترکی بودند با لغات جدید تعویض شدند که «روایک» به‌جای «گلن‌گندن» نمونه‌ای از آن‌هاست.

فرهنگستان سوم به‌سرپرستی حداد عادل که از سران حکومت اسلامی ایران است. وقتی او ادعا می‌کند که با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه می‌کند آشکارا ضد مدرنیته بودن خود را نشان می‌دهد. با بودجه عظیمی که او در اختیار دارد، کارش تولید لغات و اصطلاحات مانند «رایانه» و «بالگرد» و غیره که زیر نظر او کشف شده‌اند. به‌همین جهت حتی کسانی که او را به آن مقام منسوب کرده‌اند از کارش راضی نیستند. اگر فروغی و خانلری لاقال افراد باسوادی بودند که می‌دانستند چهار دارند می‌کنند در مقابل آنان حداد عادل تنها پشتوانه‌اش نسبت فامیلی سببی داشتن با بیت سدیقی خامنه‌ای است. مخالفت او با آموزش زبان‌های مادری تحت لوای دفاع از حریم زبان فارسی، محتوای نژادپرستانه دارد.

فرهنگستان‌های فارسی با بودجه عمومی ایجاد شده و کارشان پاک‌سازی زبان فارسی از لغات ترکی و عربی متداول در زبان عامه مردم و از بین بردن زبان‌های دیگر بوده است. آیا از بودجه عمومی صد سال گذشته ایران، حتی یک ریال هم صرف پیشرفت زبان‌های غیر فارسی نشده است در حالی که گفته می‌شود میلیاردها برای پیشرفت زبان فارسی صرف شده است. اما در واقعیت هیچ پیشرفتی در زبان فارسی پدید نیامده است.

واقعیت این است که سلسله ترک قاجار منحل شده بود و قدرت‌های جهانی آن‌روز که نمی‌خواستند بار دیگر ترکان بر ایران مسلط بشوند به‌تابودی و انکار وجود ملل دیگر از جمله ترک‌ها در ایران پرداختند و لهجه تهرانی را به‌عنوان زبان فارسی رسمی نمودند. فارسی زبان ملی فارس‌ها بوده و هست و نه زبان ملی ترک‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، کردها و غیره.

حسن رشدیه اولین مدرسه مدرن به‌سبک مدارس اروپایی را در تبریز به‌زبان ترکی پایه‌گذاری کرد ولی مدرسه‌اش را آتش زدند. پان‌ایرانیست‌ها برای این‌که راحت بتوانند حقوق زبانی ملل غیرفارس در ایران را زیر پا بگذارند به‌تنوری‌های نژادپرستانه متوسل شدند و ادعا کردند که همه مردمانی که در گوشه و کنار ایران زندگی می‌کنند آریایی نژاد هستند و در اثر حمله اعراب و مغولان و ترکان زبان‌شان دگرگون شده است. با این جعل تاریخی گفتند که در ایران ترک و عرب نداریم.

وقتی که «دولت - ملت» جدید در دوره رضا شاه ایجاد شد، با الهام از حکومت نازی‌ها در آلمان، پان‌ایرانیسم ایدئولوژی ایران نوین انتخاب گردید که آشکارا تنوع ملی، زبانی و فرهنگی ملل ساکن در ایران را انکار می‌کرد و هنوز هم انکار می‌گردد. پان‌ایرانیسم ایدئولوژی فاشیسم در ایران است و پایه‌های آن بر عرب‌ستیزی و ترک‌ستیزی استوار شده است.

دست‌کم در یک قرن گذشته، حکومت‌های ایران و پان‌ایرانیست‌ها، مدعی‌اند که آزادی زبان‌های مادری باعث تجزیه ایران می‌شود دروغ محض است. چرا که ممنوعیت زبان مادری و سرکوب باعث خشم و جدایی مردم تحت ستم می‌شود نه آزادی، برابری و زندگی مسالمت‌آمیز مردمان یک کشور و آزادی زبان‌های مادری.

ادامه در ص 7

زبان مادری مهم و حیاتی...

در واقع سیاست‌های دموکراتیک در کشورهای که چند زبانی را به رسمیت شناخته‌اند موجب شده چالش امنیتی جدایی‌طلبی در این کشورها به چالشی سیاسی تبدیل شود و احزاب استقلال‌طلب با وجود آزادی فعالیت مسالمت‌آمیز چندان در جلب رای و نظر مردم موفق نباشند. برای مثال کانادا، بلژیک و اسپانیا.

ایران بر اساس شاخص تنوع زبانی با داشتن دستکم شش زبان متمایز، گرایش‌ات استقلال‌طلب و جدایی‌طلب بسیار ضعیف است.

زبان مادری منتقل‌کننده وجه بارز فرهنگی است که به برداشت‌های خاص کودک از جهان شکل می‌بخشد و موجب تفاوت در رفتار فردی او، الگوهای یادگیری و سبک فکری او خواهد شد.

در این معنا میزان موفقیت یک دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی جدای از جنبه‌های فردی تابعی از فرهنگ اجتماعی او است که در پیوند با زبان مادری شکل می‌گیرد.

علاوه بر این دشواری فهم زبان آموزش موجب وابستگی هر چه بیشتر کودک به زبان شفاهی خواهد شد و امکان موفقیت او را در نظام آموزشی معیار تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در مواد هشتادوشش و نود و هفت پیمان ورسای و در معاهداتی که کمیسیون دولت‌های نوین در آن زمان تهیه کرد، در ماده پنجم کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش، در ماده بیست و هفت میثاق حقوق مدنی و سیاسی بشر و در اعلامیه جهانی حقوق زبانی به‌طور مفصل بر حقوق زبانی جمعیت‌های انسانی و آزادی کاربرد زبان مادری در آموزش، نهادهای عمومی و فضاها و مناسبات رسمی تاکید شده است.

برابر با کنوانسیون ممنوعیت و مجازات نسل‌کشی، ژنوساید شامل هر عمل عمدی است که با هدف نابودی زبان، دین یا فرهنگ یک ملت، گروه نژادی یا مذهبی به خاطر ملیت، دین یا عقاید مذهبی اعضای آن صورت می‌گیرد.

تعداد واقعی و یا حداقل نزدیک به واقعیت ترکیب جمعیتی ایران در دست نیست. بنابراین برای به دست آوردن این آمار توجه به منابع داخلی یک فاکت مهم است. یک آمار قابل اتکا، آمار وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه که متولی اصلی آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان سراسر است لاید آماري هم از دانش‌آموزان غیرفارسی زبان که در سیستم این وزارتخانه به آن‌ها دانش‌آموز «دو زبانه» گفته می‌شود دارد.

خبرگزاری حکومتی فارس نوشته است:

«توجه به مناطق چندزبانه در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد وزیر آموزش و پرورش وقت افزود: صبح امروز در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش با حضور رییس جمهور تبدیل آموزش و پرورش کشور به دو دوره 6 ساله ابتدایی و 6 ساله دوم و حذف دوره راهنمایی از نظام آموزشی به تصویب رسید؛ توجه به مناطق محروم و چند زبانه برای ایجاد عدالت آموزشی نیز یکی دیگر از مصوبات امروز شورای عالی آموزش و پرورش بود. وی ادامه داد: 70 درصد دانش‌آموزان در سراسر کشور دو زبانه بوده و پس از ورود به کلاس اول و گذراندن یک سال تحصیلی هنوز زبان مادری آن‌ها به فارسی تبدیل نشده است؛ این‌گونه دانش‌آموزان چگونه می‌توانند با دانش‌آموزانی که در تهران تحصیل می‌کنند رقابت کنند.

حاجی‌بابایی، اظهار داشت: دانش‌آموزی که در کلاس اول با این افت تحصیلی مواجه شود تا آخر نیز نمی‌تواند موفق باشد. از این خبر می‌توان نتیجه گرفت که تنها 30 درصد دانش‌آموزان ایرانی و به تبع آن 30 درصد جمعیت کشور فارس هستند و بقیه به سایر جمعیت‌های زبانی تعلق دارند. یعنی 22 میلیون و 500 هزار نفر فارس و 52 میلیون و 500 هزار نفر دیگر غیر فارس هستند. (6)

تا این‌جا می‌دانیم که طبق سرشماری سال 1388، جمعیت غیر فارس ایران حدود 52 میلیون و 500 هزار نفرند و ترک‌ها هم جزئی از این تعداد هستند.

علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه وقت حکومت اسلامی ایران برای دیدار و مذاکره رسمی با مقامات ترکیه‌ای وارد آنکارا شد؛ صالحی پس از ورودش به ترکیه در فرودگاه اسن بوغا به سنوالات خبرنگاران پاسخ داد. در پاسخ به یکی از سنوالات صالحی با احتمال نزدیک به یقین محل مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را ترکیه و شهر استانبول معرفی کرد و... صالحی در ادامه از برادری ملل ترکیه و ایران سخنانی را بیان کرده و خواستار گسترش روابط مابین ترکیه و ایران شد.

به‌نظر صالحی پیوندهای تاریخی و فرهنگی ترکیه و ایران می‌تواند یکی از علل نزدیکی ملل ترکیه و ایران شود. صالحی در ادامه افزود:

«ما کم و بیش زبان مشترکی داریم، بیش از 40 درصد مردمان ایران به زبان ترکی صحبت می‌کنند و این می‌تواند نکته بسیار مثبتی در روابط ترکیه ایران تلقی شود. (7)

با اظهارات علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه سابق و معاون فعلی رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی، آمار ترک‌های ایران بیش از 40 درصد یعنی بیش از 30 میلیون نفر است. بنابراین نقض حقوق زبانی خلق‌های غیرفارس در ایران، نقض حقوق اکثریت شهروندان ایران است. هویت خاص این خلق‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و تاثیرات مخربی نیز بر هم‌گرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز و داوطلبانه خلق‌های به‌جا گذاشته است.

تداوم سیاست تک زبانی فعلی و سرکوب هرگونه ندای آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و آزادی زبان‌های مادری، بر خلاف اهداف و سیاست‌های حکمیت و مدافعان آن در نهایت نه به تداوم وحدت انسانی، بلکه به تضادهای هویتی و چالش سیاسی بیش‌تر در ایران خواهد انجامید. از این‌رو، تدوین و اجرای قوانینی که سیستم آموزشی را چند زبانه کند و به کاربرد زبان‌های غیر فارسی در کشور رسمیت ببخشد جدای از این‌که یک ضرورت اخلاقی و حقوق انسانی است یک انتخاب ناگزیر سیاسی نیز هست.

همچنین بر اساس آمار منتشرشده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس، با استناد به سرشماری سال 1385، بیش از 2/3 میلیون کودک 6 تا 17 ساله بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد که یا اصلا به مدرسه نرفته‌اند یا در طول سال‌های تحصیل به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند در خصوص «کودکان ایرانی محروم از تحصیل»

آمارهای متفاوتی ارائه می‌شود. «در کشور ما سیستم آموزشی، جذابیتی برای بسیاری از دانش‌آموزان ندارد. برنامه‌های آموزشی کشور ما با روحیه کودکان سازگار نیست. محفوظات فراوان، مشق و تمرین و تکرار موضوعاتی که ارتباطی با زندگی و علایق دانش‌آموزان ندارد، کودکان را از درس و مدرسه بیزار می‌کند. همین امر منجر به افت تحصیلی و مردودی و سرانجام خروج دانش‌آموز از چرخه

آموزشی می‌شود. بخش دیگر افراد بازمانده از تحصیل مربوط به مناطق دوزبانه کشور است. این کودکان به دلیل این‌که زبان مادری آن‌ها متفاوت با زبان آموزشی است، نمی‌توانند خود را با سیستم آموزشی رسمی تطبیق دهند و در همان سال اول دچار افت تحصیلی می‌شوند. آمار مردودی پایه اول در میان کودکان مناطق قومی بالاتر است بنابراین اصل 15 قانون اساسی آموزش زبان مادری در کنار زبان فارسی در این مدارس الزامی است.» (8)

بنا به عقیده برخی کارشناسان، محرومیت از تحصیل به زبان مادری پیامدهای فرهنگی، روانشناسی و اجتماعی ناگواری در پی دارد. در بعضی موارد و در شرایط یادآمدهای ممنوعیت زبان مادری، منجر اختلافات سیاسی و عقیدتی و حتا جنگ و خونریزی می‌شود.

آموزشی که به زبان مادری دانش‌آموز فراهم نمی‌آید، او را در معرض بسیاری از آسیب‌های تحصیلی و اجتماعی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، حکومت‌هایی که حق آموختن به زبان مادری را ممنوع کرده‌اند، به‌طور آشکار فرصت نابرابر آموزشی هم فراهم می‌آورند. در واقع، بین شهروندان تبعیض قائل می‌شوند. تاکنون در ایران، هیچ حکومتی به‌رفع این تبعیض و نابرابری آموزشی توجه نشان نداده است.

کودکان با محروم ماندن از یادگیری زبان مادری، زبان دل و ذهن‌شان دچار بحران می‌گردد به‌طوری که پس از پایان تحصیلات مدرسه‌ای یا دانشگاهی که وارد تجربه واقعی زندگی اجتماعی می‌شوند با کاستی حاصل از زبان مادری روبه‌رو می‌شوند.

ممنوعیت زبان مادری سبب شده است که سطح آموزش و پرورش و تحصیل در مناطقی چون آذربایجان، کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و... افت شدیدی پیدا کند. چون که سیاست تبعیض و سرکوب و سانسور بر سیستم آموزشی ایران حاکم است. ممنوعیت و تحقیر زبان مادری هم چنین سبب شده است که میلیون‌ها کودک و جوان از تحصیل محروم بمانند. هنگامی که زبان به‌عنوان وسیله و ابزار ارتباط، شناخت و آگاهی دچار اختلال می‌شود حتی در فرد مشکلات شخصیتی ایجاد می‌کند. در کشوری که ساکنان آن با تنوع زبانی در آن زندگی مشترک دارند، نیاز به شناخت همدیگر دارند که اولین شرط آن نیز تسلط به زبان مادری است. عموماً تبعیض و نابرابری و سرکوب باعث از هم پاشیدن شیرازه جامعه می‌شود.

آزادی «زبان مادری» در ایران و هر جامعه دیگری باعث رشد فرهنگی و اجتماعی سراسر کشور می‌گردد و از کمشکش‌های ملی و ناسیونالیستی و شوونیستی نیز جلوگیری می‌کند. در عین حال همه شهروندان کشور، در کنار بهره‌گیری از زبان مادری خود، یک زبان دیگری را هم به‌عنوان زبان سراسری «فارسی» یاد می‌گیرند. در چنین شرایطی، بر خلاف سیاست‌های نابرابری و تحقیرآمیز حکومت‌های سرکوب و سانسور و اختناق دایمی، اما همبستگی انسانی بین «ملیت»‌های مختلف کشور، عمیق‌تر و همه‌جانانه‌تر می‌گردد. چون که به‌راحتی همدیگر را درک می‌کنند و به‌سادگی به تبادل فکری و نظری می‌پردازند.

حق تحصیل به زبان مادری یک حق ابتدایی و مسلم هر انسانی است در حالی که حکومت اسلامی ایران، اکثریت مردم ایران را از این حق ابتدایی محروم کرده است.

مدیریت کارگری و شورایی نیشکر هفت تپه و تجربه دیگر کشورها

کارخانه کاشی و سرامیک «زنون» در آرژانتین از مشهورترین مواردی بوده که کارگران خودشان آن را به روش مدیریت کارگری و شورایی اداره کردند. کارگران کارخانه مذکور پس از آن که کارفرما با بدهی زیاد و نیز دریافت وام‌های کلان متواری شده بود (دقیقا مانند هفت‌تپه)، کارخانه را به‌دست خود گرفتند و با اداره شورایی، کارخانه را احیا کردند؛ از اخراج‌ها جلوگیری کردند و مدیریت کارگری را تجربه کردند. اگرچه کشور هنوز سرمایه‌داری بود اما کارگران موفق شدند روش خودگردانی کارگری را عملی کردند.

یکی از مطالبات اساسی کارگران نیشکر هفت‌تپه که از مدت‌ها پیش در همه تجمع‌ها و محافل هفت‌تپه مطرح شده، بازپس‌گیری شرکت از بخش خصوصی به دولت و یا به کارگران است.

یک مسئله مهم، اداره و مدیریت شرکت است. کارگران با هر دو نوع مدیریت دولتی و خصوصی آشنا هستند؛ هر دو شکل مدیریت برای کارگران بی‌حقوقی، نپرداختن دستمزدها و مطالبات انباشته کارگری بوده است. اگر چه با خصوصی‌سازی اساسا موجودیت کارخانه و املاک به‌طور کلی به خطر افتاده

است. اما کارگران این بار می‌خواهند نوع سوم مدیریت که بر اساس اراده کارگران و خالقان ثروت است را بیامایند و آن اداره شورایی شرکت است. کارفرمایان همیشه از ما می‌خواهند یک دروغ بزرگ را قبول کنیم که کارگران توان مدیریت و اداره محل کار خود را ندارند؛ این دروغ بزرگ است که مثل این‌که ضروری است که که باید همیشه مدیران و نماینده‌های کارفرمایان اعمال مدیریت کنند و چه چیزی تولید بشود و چه نشود، چگونه و چه زمان تولید شود و خلاصه همه چیز را آن‌ها تصمیم بگیرند. آن‌ها کارگران را فاقد شعور و توان لازم و کافی می‌شناسانند!

ما می‌دانیم که ثروت سرمایه‌داران هر روز بیش‌تر می‌شود و ما کارگران فقیرتر. در هیچ دوره‌ای، حقوق و مزایای دریافتی ما کفاف زندگی مان را نداده است. ما همیشه دغدغه مسکن مناسب داشتیم. همیشه تشکل مستقل ما سرکوب شده است. واقعیت این است که هیچ‌کسی بهتر از ما نمی‌تواند بر خودمان حاکم باشد. یک دوره‌ای کارگر را انسانی بی‌سواد و یا کم‌سواد تعریف می‌کردند. اما همه ما اطلاعات و دانش و توان خودمدیریت کردن محل کار و زندگی مان را داریم؛ کافی است به نیروی خود اتکا کنیم و از اعتماد به نفس مان استفاده کنیم. می‌توانیم از تجربه کارگران در کشورهای دیگر بهره‌جویم.

از دهه‌های پیش در برخی از کشورها مانند آرژانتین، آلمان و یونان خودمدیریتی کارگری انجام شده است. از دو دهه پیش کارگران آرژانتینی با کنترل کارگری بر حدود ۲۰۰ مرکز کار و تولید از قبیل کارخانه‌ها، هتل‌ها، نانوايي‌ها و بیمارستان‌ها موفق به انجام شیوه تولید به روش کارگری داشته‌اند. ما نیز در هفت تپه به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم به هیچ بخش خصوصی برگردیم. ما می‌توانیم شرکت را به‌دست گرفته و خود آن را اداره کنیم.

دوشنبه ۵ آذر ۱۳۹۷
سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

دفاع کانون نویسندگان ایران از خواسته‌های کارگران هفت‌تپه

کانون نویسندگان ایران روز چهارشنبه هفتم آذر، در دفاع از خواسته‌های کارگران هفت‌تپه و اعتراض به بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بیانیته منتشر کرده است.

اعتراض، بخشی از آزادی بیان کارگران هفت‌تپه است. هفته‌هاست که کارگران نیشکر هفت‌تپه برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به اعتصاب و تجمع زده‌اند. «دریافت دستمزدهای معوقه» و «نظارت و کنترل شورای کارگران بر امور شرکت» بخشی از خواسته‌های آن‌هاست. در شرایطی که کارگران حتی با دریافت دستمزدشان مجبور به گذران زندگی در حد فقر مطلق هستند، چهار ماه حقوق‌شان پرداخت نشده است. طرفه آن‌که سایه بی‌کاری، امنیت شغلی و برخورداری از همین دستمزد نسیه را نیز تهدید می‌کند. اعتراض به وضعیتی چنین اسفبار حق هر انسان، حق هر شهروند است. کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه با آمدن به خیابان و بلند کردن صدای اعتراض خود از حق شهروندی‌شان استفاده کرده‌اند.

در این مدت حاکمیت به انواع شیوه‌های آشکار و پنهان در مقابل کارگران معترض صف بسته است و ماموران و کاربده‌دستانش تلاش کرده‌اند با لشکرکشی، تهدید و بازداشت نمایندگان کارگران صدای

اعتراض آن‌ها را خاموش کنند. از خیل بازداشتی‌ها اکنون یکی از نمایندگان کارگران، اسماعیل بخشی، همچنان در بازداشت نهاد امنیتی است و نیز زن جوانی به نام سپیده قلیان که اخبار اعتصاب و اعتراض کارگران را پوشش می‌داده است. هرگونه تلاش برای خفه کردن صدای اعتراض، از جمله این بازداشت‌ها، نقض آشکار آزادی بیان و پایمال کردن حقوق اولیه انسان است. کانون نویسندگان ایران ضمن حمایت از خواسته‌های برحق کارگران هفت تپه خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط اسماعیل بخشی و سپیده قلیان است.

کانون نویسندگان ایران
۷ آذر ۱۳۹۷

قابل توجه خوانندگان کمون

این آخرین شماره نشریه کمون است که با مسئولیت من منتشر می‌شود. مدتی قبل از انتشار این شماره کمون، از رفقا در پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، خداحافظی کردم. بی‌گمان در چنین اوضاع و احوال حساس کنونی جامعه ایران، جدیت و پیگیری توافقات یک شرط لازم فعالیت سیاسی است. بنابراین، من از این تاریخ به بعد، هیچ‌گونه مسئولیتی در هماهنگی مشترک پلاتفرم و نشریه کمون ندارم. برای خوانندگان کمون و همچنین برای رفقا در پلاتفرم... تندرستی و موفقیت آرزو می‌کنم.

با احترام بهرام رحمانی

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!